

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۵، شماره ۹۰، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۲۰۹ تا ۲۲۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

نقش ساماندهی رفاه اقتصادی - شغلی گروه‌های درآستانه خطر در پیشگیری از وقوع قاچاق کالا و ارز

| فرید محسنی* | دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم
قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
| محسن رحمانی فرد | دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه عدالت، تهران،
ایران

چکیده

امور رفاهی گروه‌های در آستانه خطر من جمله کارکنان متکفل مبارزه با قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از راهکارهای پیشگیری اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از وقوع جرائم مرتبط با قاچاق ایفا نماید. با توجه به ماهیت اقتصادی بزه قاچاق کالا و ارز، میزان ارائه خدمات عمومی و رفاهی توسط دولت و حاکمیت این دسته از کارکنان می‌تواند از عوامل مهم پیشگیری از ارتکاب بزه، محسوب شود. هنگامی که شهروندان در بهره‌مندی از شرایط اقتصادی از فرصتی برابر برخوردار نباشند، در پس بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات اداری، محیط‌های آلوده مناسبی برای رانت‌خواری، رشوه‌خواری و فساد مالی پدید می‌آید؛ در چنین شرایطی، هرگونه مبارزه با مفسدان مبارزه با معلول خواهد بود. تغییر اوضاع نابسامان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز مبارزه با عوامل روانی ارتکاب جرم، هسته اصلی پیشگیری اجتماعی است. این مسئله در مقررات مختلف و حتی قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. مقاله حاضر درصدد است به بررسی راهکارهای «ساماندهی رفاه اقتصادی»، به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشگیری اجتماعی از وقوع بزه قاچاق کالا و ارز پرداخته و جایگاه آن را در سیاست جنایی تقنینی کشور در پرتو اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، تحلیل نماید.

واژگان کلیدی: رفاه اقتصادی، تأمین شغلی، پیشگیری اجتماعی، قاچاق کالا و ارز

Email: farid.mohseni90@gmail.com

* نویسنده مسئول؛

مقدمه

تغییر اوضاع نامساعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز مبارزه با عوامل روانی ارتکاب جرم، هسته اصلی پیشگیری اجتماعی است. پژوهش‌های جرم‌شناختی، که به علت شناسایی بزهکاری با رویکرد اقتصادی پرداختند، نشان داده است که شرایط اقتصادی - که یکی از گونه‌های محیط اجتماعی است - نیز می‌تواند بر پیدایش بزهکاری، میزان و نوع آن و یا پیشگیری از ارتکاب این پدیده تأثیرگذار باشد. محیط اقتصادی به دو گونه محیط اقتصادی عمومی و محیط اقتصادی شخصی دسته‌بندی می‌شود. محیط اقتصادی خواه محیط عمومی (نظام اقتصادی حاکم بر جامعه) و خواه شخصی (شامل فعالیت‌های اقتصادی شخصی افراد مانند: شغل، مسکن و فقر) نقش مهمی در تحقق بزهکاری و حتی افزایش میزان آن ایفا می‌نماید (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

خبرگان قانون اساسی ایران نیز از رهگذر بند ۲ اصل سوم، اصل بیستم، اصل بیست‌وهفتم، اصل سی‌ویکم و بندهای ۱ و ۲ اصل چهل‌وسوم قانون اساسی فقرزدایی، اشتغال‌زایی، تأمین مسکن و در نتیجه بهبود شرایط اقتصادی را مورد توجه قرار داده‌اند. در سیاست‌های کلی نظام نیز هدف امنیت اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور اعلام شده است.

بنابراین، ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار اساسی ایران از رهگذر شماری از اصول قانون اساسی و همچنین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، از ایجاد شرایط مناسب اقتصادی برای افراد و در نتیجه از بین بردن عوامل اقتصادی جرم‌زایی توجه نبوده است. از این رو، سر و سامان شرایط اقتصادی افراد به نوبه خود می‌تواند در پیشگیری از جرائم مؤثر باشد.

۱. تأمین رفاه اقتصادی گروه‌های در آستانه خطر

فقر و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین علل ارتکاب جرم در همه جوامع است که در صورت مبارزه جدی با آن و تقویت معیشت و نیازهای اقتصادی افراد، کاهش بزهکاری مورد انتظار است. زندگی شایسته حق افراد جامعه است که با استقرار عدالت اجتماعی قابل تحقق خواهد بود. در این ارتباط قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۲ اصل سوم، یکی از وظایف دولت را «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» مقرر داشته است. علاوه بر این برخورداری از تأمین اجتماعی، به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی حق همگانی بر شمرده شده است؛ که دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی نیز ایران را کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی در منطقه، برخوردار از رفاه و به دور از فقر و همچنین دست‌یافته به رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل توصیف کرده است.

۱-۱. تقویت معیشت مرزنشینان

اهمیت این امر در مناطق مرزی و برای ساکنان آن به‌لحاظ هم‌جواری با کشورهای همسایه دوچندان می‌گردد. پتانسیل قاچاق کالا و ارز به‌عنوان ممر درآمد بالا و با کمترین امکانات ایجاب می‌کند به تقویت معیشت مرزنشینان توجه دوچندانی گردد. جهت رسیدن به این هدف دولت مکلف است ضمن توسعه فعالیت‌های اقتصادی به افزایش اشتغال در نواحی مرزی همت گمارد.

در سال‌های اخیر، متأسفانه کشور با افزایش بی‌کاری مواجه بوده است. به‌اضافه اینکه در این سال‌ها کیفیت اشتغال نیز مطلوب نبوده و به سمت بخش خدمات گرایش داشته است. تمرکز بر بخش خدمات، خود سرآغاز مشکلات متنوعی همچون تورم ساختاری، که هم علت و هم معلول فعالیت‌های واسطه‌گری و قاچاق در اقتصاد است، خواهد شد (غروی نخجوانی، ۱۳۸۱: ۱۷۳).

از مهم‌ترین نهادهای مسئول در این زمینه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح در زمینه ایجاد اشتغال و بیمه‌های بیکاری، بخش مهمی از سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی را بر عهده گیرد. ماده ۹ قانون ایجاد این وزارت، سیاست پیشگیری از ظهور یا گسترش انحراف و مشکلات اجتماعی از طریق فراهم نمودن زمینه استقرار رفاه عمومی و ارتقای حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و غیره را مدنظر قرار داده است.

قانون قاچاق کالا و ارز در بند پ ماده ۶ با هدف تقویت معیشت مرزنشینان و توسعه فعالیت‌های اقتصادی مناطق مرزی، وزارت کشور را مکلف نموده با همکاری ستاد، لایحه توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی را تهیه و به هیئت وزیران ارائه کند.

متأسفانه تاکنون، علی‌رغم تأکید سیاست‌های کلی و همچنین قانون‌گذار، این لایحه که می‌تواند نقش بسزایی در پیشگیری اجتماعی از وقوع بزه قاچاق کالا و ارز داشته باشد؛ تهیه و ارائه نشده است. به نظر می‌رسد بهتر بود قانون‌گذار جهت ارائه لایحه مهلت قانونی مقرر می‌نمود تا تأخیر در آن توجیهی نداشته باشد.

۱-۲. توسعه فعالیت‌های اقتصادی مرزی

از راه‌های دیگر پیشگیری اجتماعی از توسعه قاچاق کالا و ارز می‌توان به توجه ویژه به مرزهای کشور و توسعه فعالیت‌های اقتصادی آن اشاره کرد. مرزها به‌عنوان گذرگاه اصلی قاچاق کالا از

اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند که توجه بیشتر به تقویت اقتصاد آن نقش مؤثری در مبارزه با بزه قاچاق دارد. متأسفانه تاکنون مبادلات مرزی نتوانسته است مناطق مرزی را به توسعه مطلوب رهنمون کند. با اینکه در گذشته بسیاری از نواحی مرزی کشور از امکانات و اقلیم مناسب زندگی برخوردار بوده‌اند اما بخشی از این مشکلات هنوز به قوت خود باقی است؛ تا اندازه‌ای که در مهاجرت مرزنیسان به برخی کشورهای همجوار با رشد قاچاق کالا به‌رغم همه تمهیدات دولتی - از جمله مزایای قانونی مبادلات مرزی، رساندن کالای دولتی به دست مردم و تلاش در جهت بهبود معیشت آنان - بی‌تأثیر نبوده است (نورمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

یکی از راه‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزی، ایجاد بازارچه‌های مرزی است. فلسفه ایجاد بازارچه‌های مرزی، انجام مبادلات اقتصادی ساکنین این مناطق با همسایگان کشور مجاور بازارچه، کاهش فقر محلی، ایجاد اشتغال و ارزآوری، جلوگیری از واسطه‌گری، دلالی و پیشگیری نسبی از وقوع جرم قاچاق بوده که متأسفانه به مرور زمان از اهداف اصلی خود دور شده تا جایی که امروزه موجبات ایراد خسارت و جنبه‌های تخریبی به تولیدات داخلی را فراهم آورده و کالای متنوع وارده به بازارچه به دلایل نبودن امکانات نظارتی دقیق و لازم از جهات ارزشی، نوع کالای وارده، چگونگی نقل و انتقالات بدوی و خروج از بازارچه تجلی گاهی محکم و مداوم برای انتقال کالا به داخل کشور تحت پوشش‌های مختلفی که حکم قاچاق دارد، می‌باشند. (احمدی، ۱۳۸۳: ۹۲)

طی نظرسنجی که در مورد بازدارنده‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشکلات مناطق آزاد تجاری ایران انجام شده، شاخص «نبود امنیت اقتصادی» با ۴۰/۶ درصد رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. (زارع شاهی، ۱۳۷۹: ۲۲۷)

بدین ترتیب، ارتباط توسعه فعالیت‌های اقتصادی مرز و قاچاق کالا ارتباطی دوسویه است که با یکدیگر نسبت مستقیم دارند به‌طوری که هم‌اکنون بخشی از اعتباراتی که می‌تواند صرف عمران مرزها شود، عملاً صرف مبارزه با قاچاق می‌شود. رواج و سوددهی قاچاق در نواحی مرزی می‌تواند فعالیت‌های مفید و مقرون‌به‌صرفه صنعتی و کشاورزی را تحت الشعاع قرار دهد و عدم استقبال بکشانند و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را در توسعه این مناطق دچار تردید کند، ضمن اینکه انگیزه سرمایه‌گذاری را در این مناطق - به‌لحاظ دوری از بازار فروش و فقدان ساختار اقتصادی مطلوب - کاهش دهد و از سوی دیگر عدم توسعه و امنیت اقتصادی مرز باعث افزایش میل و گرایش به قاچاق کالا می‌گردد چون در قاچاق کالا برخلاف تجارت رسمی، ابتدا نوع کالا و قیمت و میزان آن مشخص نیست بنابراین برنامه‌ریزی‌های تولیدی و سیاست‌های تجاری دولت و بخش خصوصی همواره با ریسک همراه است. لذا تولیدکننده با توجه به این ریسک یا در فرایند تولید شرکت نمی‌کند یا در

صورت ورود آگاهانه، نرخ بازگشت سرمایه بالاتری را در زمان کوتاه‌تر طلب می‌کند. دولت هم در برنامه‌ریزی تولیدی با همین مشکل روبه‌روست. در این حالت قاچاق کالا با توجه به اثراتی همچون بی‌ثباتی اقتصادی و اختلال در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و سیستم توزیع باعث لوٹ شدن نظارت دولت و آسیب‌پذیری اقتصادی کشور خواهد شد.

بنابراین اهمیت توجه به مقوله توسعه اقتصادی مناطق مرزی دوچندان است. که در صورت نیل به این هدف هم شاهد کاهش قاچاق خواهیم بود و هم با کاهش قاچاق افزایش توسعه روزافزون اقتصاد نواحی مرزی را انتظار خواهیم داشت.

همچنین بند ۲ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند ۱۹، ۲۱ و ۲۳ سیاست‌های کلی برنامه ششم بر توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته و اقتصاد دریایی جنوب کشور، دلالت می‌کند. اما متأسفانه مقررات صریح و روشنی جهت رسیدن به این منظور در قانون برنامه ششم توسعه، مشاهده نمی‌گردد. فقط بند ۵ قسمت ب ماده ۲۷ قانون مذکور به «تهیه و اجرای طرح‌های ساماندهی و بهسازی حداقل بیست درصد (۲۰٪) روستاهای مرزی با رویکرد پدافند غیرعامل جهت توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» اشاره می‌کند که به نظر ناکافی است و لازم است در طول پنج سال آینده به توسعه بیشتر مناطق مرزی همت گمارده شود.

همان‌طور که در قسمت قبل بیان شد قانون قاچاق کالا و ارز در بند پ ماده ۶ با هدف تقویت معیشت مرزنشینان و توسعه فعالیت‌های اقتصادی مناطق مرزی، وزارت کشور را مکلف نموده با همکاری ستاد، لایحه توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی را تهیه و به هیئت وزیران ارائه کند؛ لیکن متأسفانه تاکنون این لایحه ارائه نشده است.

۱-۳. کاهش انگیزه‌های اقتصادی قاچاق از طریق منطقی نمودن سود بازرگانی

سود بازرگانی وجهی است که بر اساس قانون انحصار تجارت خارجی و به‌موجب تصویب‌نامه هیئت وزیران برقرار می‌گردد. سود بازرگانی نیز مانند حقوق گمرکی در حکم نوعی مالیات غیرمستقیم است که در صورت تعلق (همانند حقوق گمرکی) از کالاهایی که برای مصرف وارد کشور می‌شوند دریافت می‌شود. (بنایی، ۱۳۸۱: ۹۳)

همه کشورهای از اغلب کالاهای وارداتی خود به‌نحوی تعرفه می‌گیرند یا در واردات محدودیت قائل می‌شوند. با این حال، میزان تعرفه و مقدار محدودیت ایجادشده برای واردات هم در کشورهای مختلف متفاوت است. به عبارت دیگر، همه کشورهای در مورد بخشی از کالاهای وارداتی به کشورشان نوعی سیاست حمایتی را در پیش می‌گیرند.

با توجه به ورود بیشتر کشورهای جهان به سازمان جهانی تجارت و حذف موانع غیرتعرفه‌ای واردات، عمده محدودیت‌های وارداتی در حال حاضر از طریق نرخ‌های تعرفه صورت می‌گیرد. (سیف، ۱۳۸۷: ۲۱۱) حمایت از صنایع داخلی، ممانعت از مصرف کالاهای غیرضروری، توسعه صادرات و امکان نیل به خوداتکایی از جمله نکاتی است که در تعیین این قلم از حقوق ورودی تحت عنوان سود بازرگانی مؤثر است. (سیف، ۱۳۸۷: ۱۷)

نرخ‌های تعرفه اعمال‌شده در کشور ما از کشورهای منطقه بیشتر است و علاوه بر اخذ تعرفه‌ها، مبالغی دیگر هم با عناوین متفاوتی (شبه تعرفه) از واردات گرفته می‌شود. این مبالغ دربرگیرنده همه هزینه‌های اضافی و دیگر مالیات‌های وارداتی است که عنوان حقوق گمرکی و سود بازرگانی ندارد. همین عامل یکی از مهم‌ترین دلایل مساعد بودن زمینه قاچاق کالا به داخل کشور است. با گرفتن تعرفه بیشتر، قیمت کالاهای وارد شده از مبادی قانونی بالا می‌رود و به این دلیل واردات قاچاق سودآور می‌شود. با توجه به اینکه کاهش انگیزه اقتصادی به‌عنوان یک راهکار پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم می‌تواند نقش مؤثری در کاهش ارتکاب بزه قاچاق داشته باشد؛ اگر تعرفه‌ها به صورت غیرکارشناسی تعیین شود و اگر درآمد دولت از پایین آمدن تعرفه‌ها کم شود هزینه مبارزه با قاچاق کالا هم کم می‌شود و واردات قانونی گران در می‌آید. (فیروزجایی، ۱۳۸۴: ۱۰۶)

قانون‌گذار در بند د ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر داشته: «در صورت عدم تصویب پیشنهاد ستاد مبنی بر منطقی نمودن سود بازرگانی کالاهای پیشنهادی در کارگروه ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، دولت می‌تواند حسب درخواست ستاد، با هدف کاهش انگیزه‌های اقتصادی ارتکاب قاچاق، پیشنهاد ستاد را در دستور کار هیئت‌وزیران قرار دهد.» باید توجه داشت کم بودن تعرفه‌ها می‌تواند باعث افزایش واردات و ضربه به تولید ملی گردد. لذا این امر با سیاست حمایت از تولیدات داخلی مغایر و تا زمانی که کیفیت تولیدات داخلی بالا نرود و قابل رقابت با کالای مشابه خارجی نگردد، باعث لطمه خوردن به تولیدات داخلی و ورشکستگی صنایع داخلی خواهد. بنابراین لازم است با بررسی همه‌جانبه، تعرفه و سود بازرگانی منطقی که هم سودآوری قاچاق و انگیزه ارتکاب آن را کاهش دهد و هم جلوی واردات بی‌رویه و ضربه به تولیدات داخلی را بگیرد، وضع گردد.

۴-۱. تأمین ارز مورد نیاز اشخاص

جهت پیشگیری اجتماعی از قاچاق ارز، لازم است نیازهای افراد جامعه از طرق قانونی مرتفع گردد. چه بسا اشخاصی که نیاز به ارز، به هر دلیل، دارند ولی موفق به تأمین آن نمی‌شوند؛ به قاچاق ارز یا خرید ارز قاچاق روی می‌آورند. بدین جهت قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۷ قانون قاچاق کالا و

ارز دولت را مکلف نموده است ارز مورد نیاز اشخاص را تأمین و در صورت عدم کفایت آن، بازارهای مبادله آزاد ارز را به گونه‌ای ایجاد نماید که تقاضای اشخاص از قبیل ارز مسافری و عبوری از طرق قانونی تأمین گردد. از سوی دیگر عدم کنترل و نظارت بر این مقوله می‌تواند خود زمینه‌ای برای افزایش قاچاق کالا و ضربه به تولیدات داخلی گردد. به همین جهت است ماده ۷ قانون مذکور بانک مرکزی را موظف نموده که در جهت پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارز علاوه بر ایجاد سامانه اطلاعات مالی صرافی‌ها و رصد و ارزیابی فعالیت آن‌ها، نسبت به تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور اقدام نماید.

در این راستا بانک مرکزی که تا قبل از این، تنها در خصوص نگهداری ارز در مبادی ورودی و خروجی کشور محدودیت‌هایی را اعمال کرده بود، در ۲۱ فروردین سال جاری در اطلاعیه‌ای دستورالعمل مربوط به میزان ارز قابل نگهداری و مبادله آن در داخل کشور را ابلاغ کرد. بر این اساس، از این پس نگهداری ارز (به صورت اسکناس) حداکثر تا سقف ۱۰ هزار یورو (یا معادل آن به سایر ارزها) مجاز بوده و نگهداری مبالغ بالاتر مشروط به ارائه مستندات است. مستندات می‌تواند شامل فاکتور صرافی‌های مجاز با درج در سامانه نظارت ارزی (سنا) یا رسید چاپی حاوی کد رهگیری ورود ارز مزبور در هنگام ورود به کشور باشد. این نهاد همچنین برای تعیین تکلیف ارزهایی که قبل از ابلاغ این دستورالعمل توسط مردم نگهداری می‌شوند نیز مواردی را اعلام کرده است. بر این اساس، جهت تعیین تکلیف مبالغ بیش از ۱۰ هزار یورو (یا معادل آن به سایر ارزها) که حداقل یکی از اسناد اشاره شده را نداشته باشند، بازه زمانی سه ماهه‌ای پیش‌بینی شده است که طی این مدت دارندگان ارز باید به بانک‌ها مراجعه و نسبت به افتتاح حساب ارزی اقدام کنند. این افراد همچنین می‌توانند ارز مربوطه را با نرخ آزاد به یکی از بانک‌ها یا صرافی‌های مجاز (و درج در سامانه سنا) بفروشند و مبلغ ریالی آن را دریافت کنند.

به نظر می‌رسد بانک مرکزی با صدور دستورالعمل جدید خود در خصوص نگهداری ارز به صورت اسکناس گام تازه‌ای در جهت ساماندهی بازار ارز برداشته است. در واقع این نهاد قصد دارد با ساماندهی عرضه و تقاضای ارز، از هرگونه مبادلات غیررسمی ارز جلوگیری کند. این اقدام اگرچه فی‌نفسه صحیح و در راستای افزایش شفافیت اقتصادی و ساماندهی بازار ارز است اما در کنار توجه به ظرفیت اجرایی آن، باید به صورت ریشه‌ای به این معضل توجه کرد و زمینه‌های بروز آن را از بین برد. یکی از مهم‌ترین دلایل اصلی نگهداری ارز به وسیله مردم یا فعالان اقتصادی، جلوگیری از کاهش ارزش پول است. اقتصاد ایران در دو دهه اخیر با نرخ‌های تورم دورقمی مواجه بوده است و از این رو ارزش پول ملی با کاهش مستمر مواجه شده است. برخی از افراد با همین استدلال،

پس اندازه‌های خود را به دلار یا سایر ارزها نگهداری می‌کنند تا ارزش دارایی آنان کاهش نیابد. این استدلال از نظر اقتصادی منطقی است و تنها راه جلوگیری از آن کاهش نرخ تورم تا حد زیر پنج درصد، کاهش انتظارات تورمی و به تبع آن افزایش اعتماد مردم به ثبات اقتصادی است. حال سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چرا ارز تحت شرایطی به صورت اسکناس در خارج از سیستم بانکی نگهداری می‌شود؟ دلایل این امر نیز تا حدودی روشن است. اول اینکه نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری ارزی برای دارندگان ارز جذاب نیست و از این رو بخشی از این ارزها در سیستم بانکی به ودیعه گذاشته نمی‌شود. نکته دیگر این است که به دلیل بروز نوسانات ارزی، تقاضاکنندگان ارز ترجیح می‌دهند جهت جلوگیری از متضرر شدن ناشی از افزایش نرخ ارز در شرایط خاص افزایش تقاضا، نیاز ارزی خود را به صورت نقد نگهداری کنند. البته نمی‌توان انکار کرد بخشی دیگر نیز با استفاده از نوسانات نرخ ارز در شرایط خاص، قصد کسب منفعت از این شرایط را دارند. در انتقاد به این دستورالعمل باید گفت مهم‌تر از ابلاغ هر دستورالعملی از سوی نهاد ناظر، قابلیت اجرایی آن دارای اهمیت ویژه است. در مورد دستورالعمل مذکور به نظر می‌رسد قابلیت اجرایی آن بسیار پایین است که خود یکی از نقاط ضعف اساسی آن به شمار می‌رود. بانک مرکزی نه به لحاظ قانونی و نه به لحاظ توان اجرایی نمی‌تواند تک تک افراد جامعه را مورد بررسی دقیق قرار دهد و گروه هدف را از میان آنان شناسایی کند. بنابراین ابلاغ چنین دستورالعمل‌هایی می‌تواند علاوه بر افزایش عدم امنیت روانی مردم و سرمایه‌گذاران، اعتبار بانک مرکزی را به جهت صدور دستورالعمل‌های این چنینی خدشه دار کند.

البته شاید بتوان این نقد را به قانون‌گذار نیز وارد دانست که بدون تعیین سازوکار اجرایی و نحوه نظارت و مشخص کردن ضمانت اجرا چنین تکلیفی را بر عهده بانک مرکزی نهاده است. بهتر است با شناسایی علت و انگیزه‌های افراد جهت نگهداری ارز، سعی در مرتفع نمودن آن‌ها نمود.

۲. ساماندهی وضعیت شغلی کارکنان متکفل مبارزه با قاچاق کالا و ارز

امروزه هیچ سازمان هدفمندی را نمی‌توان یافت که نسبت به نقش بنیادین منابع انسانی به عنوان مهم‌ترین رکن پیشرفت و تعالی تردید نشان دهد. در بحث مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عوامل مبارزه با قاچاق در تمام سازمان‌های دولتی یا انتظامی همواره در مقابل تهدیدهای درونی و بیرونی قرار دارند و سازمان‌ها نیز وظیفه دارند از این عوامل در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه حمایت نمایند. لذا باید علاوه بر دقت در نحوه استخدام و چگونگی ارتقای شغلی کارکنان، به کیفیت نظام پاداش و پرداخت اهمیت داد و نهایتاً به وضعیت رفاهی و فرهنگی ایشان رسیدگی نمود.

۲-۱. استخدام و ارتقای شغلی

یکی از شرایط لازم برای افزایش سلامت اداری، انتصاب افراد متخصص و متعهد و نظارت بر تداوم این وضعیت است. شایستگی در استخدام افراد در سازمان‌های مسئول مبارزه با قاچاق کالا و ارز، از اصول بنیادی و ریشه‌ای در مبارزه با این امر است. مفهوم شایستگی به این معنا است که افراد کفایت لازم را برای انجام کار خود داشته باشند. البته این در حالی است که کفایت داشتن یک فرد به تنهایی سازمان را اصلاح نمی‌کند و مقوله کلان‌تر و فراتر از این رویکرد، استقرار نظام مدیریت بر مبنای شایستگی است. در پاره‌ای از موارد فقدان چهارچوب مناسب برای جلوگیری از انتصاب و اشتغال افراد ناشایست، زمینه بروز رفتارهای مجرمانه را در نظام اداری فراهم می‌کند. (همدمی خطبه سرا، ۱۳۸۳: ۱۷۸)

بروز فساد استخدامی و ارتقایی در سیستم اداری با اعمال تبعیض و توجه به منافع شخصی در امر استخدام و ارتقای افراد، منجر به ایجاد شبکه‌های غیررسمی در داخل نظام اداری شده و با فراهم آوردن موجبات دلسردی و بی‌تفاوتی کارمندان کوشا، به‌طور غیرمستقیم هزینه‌های ارتکاب بزهکاری را برای آنان کاهش می‌دهد.

در گسترش این پدیده، مقدم شمردن عواملی چون نفوذ شخصی، ملاحظات فردی، خانوادگی، قومی، مذهبی، جنسی و اعمال نظر شبکه‌های ارتباط غیررسمی بر معیارهای صلاحیت و شایستگی در سیستم‌گزینش اداری نقش مؤثری را ایفا می‌کند.

جهت مقابله با این مشکل لازم است با پیش‌بینی سازوکارهایی چون آزمون‌های استخدامی، شفافیت اطلاعاتی در مراحل جذب و گزینش و به رسمیت شناختن حق اعتراض به فرایند استخدامی، یک نظام جامع مقررات استخدامی بر مبنای شایسته‌سالاری تدوین شود و همچنین به دور از هرگونه فشار سیاسی و ملاحظات غیرتخصصی استقلال کافی به نظام اداری جهت اجرای این فرایند، اعطا شود. (توکلی، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

در طول استخدام کارمندان نیز ارزیابی عملکرد باید سازوکاری را طراحی کند که به‌نحو مطلوب ضمن شناسایی افراد متعهد و توانمند، آنان را برای کارگیری در بخش‌های مناسب به مدیران ارشد معرفی کند. همچنین باید میان نظام ارزیابی عملکرد و نظام جبران خدمات، تعامل منطقی وجود داشته باشد و پرداخت به کارکنان بر اساس توانایی، مهارت و شایستگی صورت گیرد. چراکه ارتقای شغلی شفاف موجب تشویق کارمندان در خدمت‌رسانی صحیح به سازمان مربوطه می‌شود.

در سیاست‌های کلی نظام به این مهم توجه شده و بند ۲ سیاست‌های کلی نظام اداری مصوب ۱۳۸۹ به «عدالت‌محوری در جذب، تداوم خدمت و ارتقای منابع انسانی» تأکید می‌کند و در بند سوم

به لزوم «بهبود معیارها و روزآمدی روش‌های گزینش منابع انسانی به منظور جذب نیروی انسانی توانمند، متعهد و شایسته و پرهیز از تنگ‌نظری‌ها و نگرش‌های سلیقه‌ای و غیرحرفه‌ای» اشاره می‌نماید. «دانش‌گرایی و شایسته‌سالاری مبتنی بر اخلاق اسلامی» معیار مهم دیگری است که وفق بند ۴ سیاست‌های فوق‌الذکر باید در نصب و ارتقای مدیران مورد توجه قرار گیرد.

تبصره ۱ ماده ۶۵ امکان ارتقای شغلی را به‌عنوان یکی از محرک‌های مثبت جهت افزایش انگیزه و کارآیی کارمندان، مورد بحث قرار می‌دهد: «هریک از مشاغل، متناسب با ویژگی‌ها ... خبره و عالی ارتقا می‌یابند.»

هرچند پیش‌بینی یک نظام ارتقای پلکانی در راستای افزایش میزان کارایی کارمندان دولت از نکات درخشان و حائز اهمیت قانون مدیریت خدمات کشوری است، اما وجود ایراداتی در نحوه ارزیابی کارکنان، میزان اثربخشی تمهیدات اندیشیده شده در این بخش را کاهش می‌دهد. در ذیل به برخی از این کاستی‌های قانونی اشاره می‌شود:

۱. عدم مقیاس بندی امتیازات تعیین شده
۲. هم‌پوشانی عوامل ارزیابی عملکرد
۳. عدم توجه به نوع مشاغل در تعیین شاخص‌های ارزشیابی
۴. نامشخص بودن تعاریف و مصادیق شاخص‌ها
۵. نظام‌مند نبودن ارزیابی عملکرد کارکنان
۶. نبود ارتباط مشخص میان استخدام، آموزش ارزشیابی و نظام پرداخت
۷. نبود ارتباط میان شاخص‌های ارزیابی با اهداف سازمان اداری
۸. پیش‌بینی نشدن آموزش‌های لازم در رابطه با شاخص‌های ارزیابی به کارکنان (توکلی، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

تحلیل وضعیت موجود نظام اداری کشور بیانگر وجود موانع و چالش‌هایی در مسیر استقرار نظام مدیریت بر مبنای شایستگی و ارزیابی عملکرد است که از آن جمله می‌توان به فقدان فرهنگ شایسته‌سالاری، تمرکزگرایی و نظام مدیریت متمرکز، مقررات دست‌وپاگیر اداری، بی‌نظمی در فرایند انتخاب و انتصاب و بی‌ثباتی در مدیریت‌ها، ذهنی و غیرشفاف بودن معیارهای ارزیابی عملکرد، عدم تناسب میان نظام آموزشی و نیز بازار کار و عدم تناسب ساختار و تشکیلات با اهداف نظام شایستگی اشاره کرد. این چالش‌ها بیشتر ریشه فرهنگی و تاریخی دارند و در ساختار قوانین و فرهنگ

سازمانی ریشه دوانیده‌اند. بنابراین استقرار نظام مدیریت بر مبنای شایستگی و عملکرد علاوه بر وجود متون قانونی قوی، نیازمند بسترسازی مناسب و تحقق مجموعه‌ای از زیرساخت‌هاست.

۲-۲. نظام پاداش و پرداخت

پاداش و پرداخت به هر عامل اثرگذار برای به کارگیری، انجام کار بهتر و نگهداری کارکنان گفته می‌شود. شرمهورن (۱۹۹۳)، پاداش را به‌عنوان پیامدهای ارزشمند انجام کار توسط افراد تعریف می‌نماید و به عقیده هلرگل (۱۹۹۵) پاداش، ارائه یک پیامد خوشایند برای انجام رفتاری مطلوب به‌عنوان افزایش احتمال تکرار آن است. (اصیلی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

می‌توان گفت که حقوق و مزایای مناسب از چند جهت انگیزه کارمندان را برای ارتکاب فساد کاهش می‌دهد: اولاً هنگامی که درآمد کارمندان برای تأمین حداقل مایحتاج زندگی کافی باشد، نیاز وی به درآمدهای ناشی از فساد اداری کاهش می‌یابد. دستمزدهای کافی ممکن است از نیاز یک کارمند به جبران آن از منابع دیگر جلوگیری کند. در مقابل موقعیت و دستمزد پایین به دلایل زیادی به ارزش‌های فرهنگی موافق با فساد کمک می‌کند. در سطح کاربردی، کارکنانی که دارای معیارهای زندگی پایین هستند بیشتر احتمال دارد تحت تأثیر وسوسه رشوه یا دیگر منافع شونده که این معیارها را بهبود می‌دهد. کارکنانی که احساس می‌کنند با آن‌ها ناعادلانه رفتار می‌شود برای به‌دست آوردن آنچه گرامتی عادلانه یا نوعی انتقام علیه دولت می‌دانند درگیر فساد می‌شوند. به همین دلیل دستمزد، موقعیت و شرایط کاری مناسب برای کارمندان از جمله اقدامات پیشگیرانه مهم به شمار می‌آید. (Langseth, P. & Others, 2004: 290) از سوی دیگر هزینه فساد اداری، رابطه مستقیمی با حقوق و مزایای کارمند دارد؛ بدین معنی که اگر تفاوت درآمد کارمندان در بخش خصوصی و دولتی به نفع کارمندان بسیار زیاد باشد و کارمندان دولت از حقوق و مزایای دولتی خوبی برخوردار باشند، در صورت کشف فساد اداری و اخراج آنان، هزینه بسیار سنگینی برایشان دارد. لذا طبیعی است که انگیزه او برای فساد کاهش خواهد یافت.

سیستم پاداش می‌بایست با اهداف و استراتژی سازمان مرتبط گردد تا یک توازن منطقی بین انتظارات کارکنان و منافع سازمان به وجود آید، به‌نحوی که اثربخشی سازمان از طریق مشارکت گذاشتن دانش، مهارت و توانمندی‌های کارکنان تضمین گردد. از نظر علم جرم‌شناسی نیز افزایش حقوق کارمندان دولت می‌تواند روش مؤثری در برخورد با مفاسد مالی باشد؛ به‌طوری که پرداخت حقوق مناسب با احتیاجات کارمندان راه‌حل برخورد با این مفاسد خواهد بود. (گسن، ۱۳۸۶: ۷۵) در بند یک ماده ۷ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، از دولت‌های عضو خواسته شده است تا دستمزد مکفی به کارمندان خود پرداخت نمایند. در بند هـ ماده ۳ برنامه ارتقای سلامت

نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۲ هیئت وزیران نیز به بهبود کیفیت زندگی کارمندان تأکید شده و بیانیه آروشای گمرک هم یکی از راهبردها و استراتژی های کنترل فساد در گمرک را پرداخت حقوق کافی به کارکنان آن برای تأمین سطح شایسته ای از زندگی اعلام کرده است.

این مسئله در سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بدین نحو متجلی است که: «نظام پرداخت و جبران خدمات نیز باید با رعایت عدالت و تأکید بر عملکرد، توانمندی، جایگاه و ویژگی های شغل و شاغل و تأمین حداقل معیشت با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی صورت پذیرد.» قانون گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به پرداخت بر اساس عملکرد، علاوه بر پرداخت استحقاقی، تأکید کرده است. تبصره ماده ۷۷ قانون اشعار می دارد: سالانه تا مبلغ دویست میلیارد ریال جهت مبارزه با قاچاق کالا و ارز و متناسب با تأثیر دستگاه های متکفل امر مبارزه با قاچاق و برنامه های ارائه شده، میان کاشفان، دستگاه های ذی ربط و مراجع رسیدگی کننده هزینه می گردد.

وفق ماده ۲ آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تخصیص منابع وصولی به این شرح است: «الف - چهل و پنج درصد (۴۵٪) برای تشویق آن دسته از کارکنان دستگاه های کاشف که حسب جایگاه و پست سازمانی مسئولیت کشف کالا و ارز قاچاق را برعهده دارند، به نسبت میزان کشفیات و دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت و ستاد.

ب - بیست درصد (۲۰٪) به دستگاه های ذی ربط ارائه دهنده پیشنهادهایی که به تأیید ستاد رسیده باشد، مطابق دستورالعمل ماده (۹) قانون.

ج - پانزده درصد (۱۵٪) برای اختصاص به هزینه های نگهداری و تأمین هزینه های مترتبه بر کالای موضوع قانون از جمله هزینه انهدام.

د - بیست درصد (۲۰٪) برای تقویت و تجهیز امکانات مورد نیاز دستگاه های ذی ربط در راستای پیشگیری و امکانات مورد نیاز مراجع رسیدگی کننده.»

در انتقاد از این آیین نامه باید گفت که توجه بیش از اندازه به کمیت کشف و اعطای پاداش به کاشفان باعث دلسردی سایر اندرکاران مبارزه با قاچاق کالا و ارز خواهد شد. لازم است به پژوهشگران این حوزه، قضات رسیدگی کننده و سایر کارکنانی که به صورت غیرمستقیم مشغول خدمت و تأثیرگذاری در مبارزه با قاچاق هستند توجه بیشتری معمول گردد.

۲-۳. برنامه های رفاهی و فرهنگی

سلامتی جسم و روان با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و یکی بر دیگری تأثیر می گذارد. مسلماً پرداختن به یکی و بی توجهی به دیگری ناکارآمدی را در پی خواهد کرد. یافته های روان شناسان و روان پزشکان در زمینه خصوصیات عاطفی و روانی انسان، تفاوت های میان افراد، آسیب ها،

اختلالات و بیماری‌ها و بازتاب رفتاری آن‌ها، منجر به روشن شدن جایگاه سلامت روانی و پیامدها و اهمیت آن شده است.

آنچه مسلم است سلامت روان تمام جنبه‌های زندگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اختلالات روانی با ایجاد هزینه‌های مستقیم (بار مالی اقدامات تشخیصی و درمانی، بازتوانی و پیشگیری) و هزینه‌های غیرمستقیم (کاهش توان فردی، کاهش نیروهای مولد جامعه، مراقبت از بیمار توسط خانواده) بار سنگینی را بر دوش جامعه تحمیل می‌کند.

سلامت روان کارکنان در هر سازمان و مؤسسه از جمله مسائل مهمی است که باید به آن توجه شود و مدیران باید به نیروی انسانی و تأمین امکانات رفاهی، خواسته‌ها و نیازهای آنان به‌عنوان عاملی برای افزایش کارایی و سطح بهره‌وری توجه کنند. چراکه اختلالات روانی، ضمن پایین آوردن کارایی فرد، باعث ایجاد زمینه بزهکاری نیز می‌گردد. به همین منظور با توجه به سختی کار کارمندان درگیر با قاچاق کالا و ارز و تبعات شغلی ایشان من جمله استرس، اضطراب و درگیری‌های ذهنی لازم است برنامه‌های رفاهی - فرهنگی که هم باعث بهبود وضعیت روانی کارمند می‌گردد و هم اثرات آموزشی دارد تقویت گردد.

حق برخورداری از اوقات فراغت، استراحت، تفریح و... و سامان دهی آن‌ها در جهت جامعه‌پذیری افراد در مقررات حقوق بشر به مثابه تکلیفی برای جامعه و دولت مورد توجه قرار گرفته است. از جمله بند د ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق هر کس را برای برخورداری از اوقات فراغت، محدودیت ساعات کار، مرخصی ادواری و... به رسمیت شناخته است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در بندهای ۳، ۹ و ۱۲ اصل سوم و به‌طور ضمنی در اصول دیگر از جمله اصل چهل و سوم به اهمیت تهیه امکانات رفاهی جهت رشد صحیح افراد توجه داشته است.

در این راستا بند ۳ سیاست‌های کلی سلامت درصدد ارتقاء سلامت روانی جامعه از طریق ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تحکیم بنیان خانواده، رفع موانع تنش‌آفرین در زندگی فردی و اجتماعی، ترویج آموزش‌های اخلاقی و معنوی و ارتقاء شاخص‌های سلامت روانی، می‌باشد.

همچنین ماده ۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر داشته: «به‌منظور صیانت از سرمایه‌های انسانی کلیه دستگاه‌هایی که به‌موجب این قانون متکفل مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشند، متناسب با حجم فعالیت‌ها بر اساس دستورالعملی که به تصویب ستاد می‌رسد، اقدامات زیر انجام می‌یابد:

الف... ب... پ - اجرای برنامه‌های رفاهی - فرهنگی به‌منظور ارتقای سلامت روحی و روانی

کارکنان.»

متأسفانه علی‌رغم درک اهمیت سلامت روان توسط اسناد بالادستی و قانون‌گذار عادی، با توجه به عدم تصویب دستورالعمل مربوط توسط ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اجرای این مقررات جنبه رسمی و منظم به خود نگرفته است.

لازم به ذکر است فعالیت‌های ورزشی، اعم از انفرادی یا گروهی، دربردارنده منافع و مزایای بسیاری برای شرکت‌کنندگان در آن‌ها هستند و گذشته از برنامه‌های سلامت عمومی، تا آنجا که به حوزه جرم‌شناسی ارتباط دارد می‌توانند به‌عنوان یک عامل مثبت برای استفاده صحیح از اوقات فراغت و ایجاد حالات مثبت جسمی و روانی، در جهت پیشگیری و یا کاهش رفتارهای منحرفانه و مجرمانه مؤثر باشند. (محسنی، ۱۳۹۴: ۳۳۲) لذا بایسته بود توجه به امور ورزشی نیز در کنار امور فرهنگی و رفاهی مورد توجه قانون‌گذار قرار می‌گرفت و دستگاه‌های ذی‌ربط ملزم به گنجانیدن امور ورزشی در برنامه کاری خود می‌شدند.

نتیجه

پیشگیری اجتماعی بر کاهش یا از بین بردن عوامل فردی و محیطی جرم‌زا تمرکز می‌کند. به عبارت دیگر، با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به‌دنبال جلوگیری از ارتکاب جرم است. با این تدبیر به‌دنبال پیشگیری پایدار و همیشگی از جرم است. این نوع پیشگیری معایب پیشگیری وضعی من‌جمله انتقال جرم را به‌دنبال نخواهد داشت. یکی از ابزارهای پیشگیری اجتماعی از بزهکاری «ساماندهی رفاه اقتصادی و شغلی» به افراد است که به از بین بردن منشا و انگیزه ارتکاب بزه کمک می‌کند. این امر علاوه بر نیاز به بودجه زیاد و کادر و نیروی انسانی مجرب و آموزش‌دیده، نیازمند صرف وقت طولانی است. متأسفانه همین سبب گردیده است در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عموماً و آیین‌نامه‌ها و نحوه اجرای آن، خصوصاً، شاهد توجه کمتر به این ابزار پیشگیری اجتماعی و در عوض توجه حداکثری به پیشگیری وضعی به‌عنوان ابزار زود بازده باشیم. این در حالی است که «تأمین رفاه اقتصادی و شغلی» در اسناد بالادستی چون قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و در برنامه‌های کلان مدت به‌عنوان یک ابزار مؤثر و کارآمد تعریف شده است.

تأمین رفاه اقتصادی شامل تقویت معیشت مرزنشینان، توسعه فعالیت‌های اقتصادی مرزی، منطقی نمودن سود بازرگانی و تأمین ارز مورد نیاز اشخاص در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دیده شده است و در اسناد بالادستی به آن تأکید شده است. اما متأسفانه اجرای آن یا موکول به تدوین لوایح شده که تاکنون مورد تصویب قرار نگرفته و نتیجتاً هدف قانون‌گذار محقق نشده است یا در قانون سازوکار اجرایی و نحوه نظارت و مشخص کردن ضمانت‌اجرا پیش‌بینی نشده است و ارگان‌های اجرایی با صدور دستورالعمل‌های غیرکارشناسی سعی در رفع این خلأ دارند. لذا پیشنهاد می‌گردد

هرچه سریع‌تر لوایح مدنظر قانون قاچاق کالا و ارز به‌صورت کارشناسان تهیه و تصویب شوند و همچنین قانون‌گذار درخصوص سازوکارهای اجرایی با صراحت بیشتر و قانون‌گذاری دقیق سعی در شفافیت نحوه اجرا نماید. به‌علاوه درخصوص مسائل شغلی شامل استخدام و ارتقای شغلی، نظام پاداش و پرداخت و برنامه‌های رفاهی فرهنگی، با تمرکز بیشتر بر شایسته‌سالاری، افزایش دستمزد کارکنان درگیر در این زمینه و جلوگیری از تعارض منافع و تقویت روحیه کار و حس مسئولیت‌گامی دیگر در تقویت مبارزه با قاچاق کالا و ارز برداشته شود.

در پایان لازم به ذکر است که پیشگیری از بزه قاچاق کالا و ارز بیش از آنکه نیازمند تدوین قوانین جدید و یا تشدید ضمانت‌اجراهای کیفری و یا حتی سعی در پیدا کردن انواع وسایل و ابزارهای پیشگیری وضعی باشد؛ مستلزم اتخاذ راهکارهایی برای پیشگیری پایدار، بادوام و فردی است. «ساماندهی رفاه اقتصادی و شغلی» یکی از طرق مهم نیل به این هدف است که باید با تدوین برنامه‌ای مناسب در پرتو اسناد بالادستی (قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام) و اخذ بودجه و امکانات و در نظر گرفتن بازه زمانی مناسب، آن را تقویت کرد.

منابع

فارسی

- احمدی، عبدالله (۱۳۸۳)، **جرم قاچاق**، چاپ اول، تهران: میزان.
- اصیلی، غلامرضا، عباسعلی قدیریان و سعید شوال پور (۱۳۸۷)، «بررسی نظام جامع پاداش و پرداخت در سازمان‌های دانش پایه (مطالعه موردی پژوهشگاه صنعت نفت)»، **فصلنامه مطالعات مدیریت**، شماره ۵۸.
- بنایی، رضا (۱۳۸۱)، «اثر قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا»، **فصلنامه پژوهش نامه بازرگانی**، شماره ۲۲.
- توکلی، کیاندهخت (۱۳۸۹)، «نظام اداری و قاچاق کالا؛ از علت شناسی تا راهکارهای پیشگیرانه»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره ۱۴.
- زارع شاهی، احمدعلی (۱۳۷۹)، «بی ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران»، **پژوهشکده مطالعات راهبردی**، شماره ۲۰.
- سیف، اله مراد (۱۳۸۷)، **قاچاق کالا در ایران**، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- طالبیان، حسین و الیاسوند، امین (۱۳۹۳)، «نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش قاچاق کالا و ارز»، **مجله کارآگاه**، شماره ۲۷.
- غروی نخجوانی، سیداحمد (۱۳۸۱)، «بحران بیکاری در ایران، پژوهشکده امور اقتصادی»، **فصلنامه پژوهش نامه اقتصادی**، شماره ۳.
- فیروز جایی، مختار (۱۳۸۴)، **قاچاق کالا و ارز**، چاپ اول، تهران: قانون.
- گسن، ریموند (۱۳۷۶)، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، **تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۹.
- محسنی، فرید (۱۳۹۴)، **جرم شناسی**، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- منتظرالقائم، مهدی (۱۳۹۳)، «حقوق شرعی فقرا»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۶۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، «پیشگیری عادلانه از جرم»، در **علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)**، تهران: سمت.
- نور محمدی، خسرو (۱۳۸۳)، **بررسی قاچاق کالا و راهکارهای هدایت فعالیت‌های قاچاق به مسیرهای قانونی و رسمی**، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۷)، **بزهکاری و عادت: از علت شناسی تا پیشگیری**، چاپ اول، تهران: فکرسازان.
- همدمی خطبه سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳)، **فساد مالی**، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Langseth, P. & Others (2004), **The Global Programme Against Corruption, UN Anticorruption Toolkit**, United Nations Office on Drugs & Crime. Vienna.
- <http://salamat.behdasht.gov.ir/news/114936>.